

ویژه نامه

راز نامکشوف

راز چهل روز با خدا زیستن
و گریستن
فرجام ماندن و خواندن
بعثتی بود راستین
تا به نشور بخواند
دختران زنده به گور را
نوید دهد کرامت زن را
بودن را

*
راز چهل روز با خدا گریستن
سیب بود
سیب،
راز خلوت حبیب بود
سیبی که گلاب کوثر داشت
سیبی که عطر آن
از مدینه تا کربلا
عشق را سرشته بود
نوشته بود،
سبزی بهشت را
سرخی شکوه سرتوشت را

*
راز چهل روز با خدا زیستن
سیب بود
سیب،
کوثر شد
و کوثر،
سیب؛
- کربلا -
سیب، هنوز هم
راز نامکشوف هستی است
مثل عشق...

*
سیب،
راز گریستن عاشقانه هاست

سید مهدی حسینی



این کارشان اصرار هم داشتند. خشم خدا، سرانجام
گریبان گیرشان می شود و فرشتگانی از سوی خدا، پس از
آن که به سراغ ابراهیم (پیامبر اولوالعزم و معاصر لوط)
می روند و به او مژده فرزنددارشدنش را می دهند، پیش
لوط می آیند و او را از عذابی که در راه است باخبر می -
کنند. لوط که پیداست از دست مردم به تنگ آمده است،
از فرشته ها می خواهد؛ اگر ممکن است، عذاب فردا، همان
شب اتفاق بیفتد. فرشته ها در پاسخ می گویند: زمان معین
شده، فردا صبح است و چیزی به صبح نمانده (آیه ۸۱).
این در حالی بود که ابراهیم در ملاقاتش با این فرشته ها،
سعی کرده بود برای قوم لوط، مهلت دوباره ای بگیرد. به
هر حال، با فرا رسیدن صبح، لوط و پیروانش که البته
همسر لوط در میان آن ها نیست، از شهر بیرون می روند و
بی درنگ، با آغاز عذاب، سنگ هایی که می بایست روی
زمین باشد، از آسمان بر سر مردم سرازیر می شود؛ همان -
طور که این مردم به جای ازدواج با جنس مخالف، به
هم جنس بازی رو آورده بودند و قاعده را به هم زده بودند.

درباره حضرت موسی، در این سوره تنها به مأموریت او و
سرانجام تلخ فرعون ها اشاره شده است.

پیام گزیده های سوره

روزی همه جانوران بر عهده خداوند است (آیه ۶)

خلقت با عظمت آسمان ها و زمین، برای امتحان کردن
سان هاست که آیا اهل کار پسندیده هستند یا نه (آیه ۷)
ز اوقات های انسان این است که وقتی نعمتی از او گرفته
می شود، ناامیدانه، حتی نعمت های گذشته را نادیده می گیرد. و
فقط بعد از سختی ها، نعمتی به او رو می آورد، سرمست
نوشی و فخر فروشی می شود (آیه ۹ و ۱۰)

خداوند بخیل نیست و اگر کسی فقط دنیا را بخواهد و
پشمش پیوسته به دنبال جلوه های مادی باشد، خداوند همین
بیزها را سر راهش قرار می دهد؛ اما در دنیای دیگر، چیزی
بیز از آتش نصیبش نمی شود (آیه ۱۵ و ۱۶)
دنیا تمام شدنی است و کسی که صبر کند و خودش را در
نیا کنترل کند، با پایان یافتن دنیا، راحتی و خوش بختی
میشگی را به دست می آورد (آیه ۴۹)
صلح حقیقی، در حد توان می کوشد و نتیجه را به خدا واگذار
می کند (آیه ۸۸)

لج کردن و دشمنی با حقیقت، جامعه را به وقایع ناگواری
چار می کند که از خشم خداوند ناشی می شوند (آیه ۸۹)
نگاه غلط و معتبر دیدن پول و موقعیت و مقام و مدرک،
لذت فهمیدن بسیاری از حقیقت ها را از انسان می گیرد (آیه
۹۱)

انسان آفریده شده است که با همراهی پیامبران، رشد کند و
بر زیبایی هایش بیفزاید. انسانی که از این همراهی سرکشی
می کند، در حق خودش ستم می کند (آیه ۱۰۱)
هر عملی، اثری در روح و روان انسان می گذارد و نیز او را به
سوی بهشت یا دوزخ نزدیک می کند. با نماز خوانی، اثر
کارهایی را که گاهی ممکن است از شما سرزده باشد، نابود
کنید (آیه ۱۱۵)

آن چه که رخ می دهد، هیچ کدام از پنجه قدرت الهی بیرون
نیست و همه چیز به او بر می گردد (آیه ۴ و ۳۴ و ۱۲۳)

ختم کلام؛

هر دارویی، دستور مصرفی دارد

ستاد بزرگی، قرآن را به داروخانه تشبیه کرده است. در این
داروخانه، هر آیه حکم دارویی را دارد که دوی درد ویژه ای
ست. همه داروها را بی حساب و از دم نمی توان مصرف کرد و
سپس توقع داشت با هر جور مصرفی و مصرف هر دارویی،
دردها به درمانی بینجامد. اگر درد را به خوبی بشناسی و از
ریشه ها و عواملش با خبر شوی و از آن سو، با داروخانه انس
بگیری، آیه ها را همراه با لحظه لحظه زندگی ات به مرور
بنشیننی و البته گاهی هم با متخصص داروشناس مشورتی
داشته باشی تا از ایمنی کار مطمئن شوی، نه دیگر دردها
تلنبار می شوند و نه قرآن، کتابی و بی مصرف به نظر می رسد.
همیشه همین طور بوده و هست که قرآن، کتاب زندگی است؛